

مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی مادران دانش‌آموخته دانشگاه شریف

در ارتباط با ناکنشگری اجتماعی

مریم خادمی^{*}، زینب اعلمی^{**}، امیر شهسواری^{***}

چکیده

یکی از چالش‌هایی که بانوان تحصیل‌کرده پس از ازدواج و مادر شدن با آن درگیر هستند، چگونگی جمع بین کنشگری اجتماعی و نقش‌های خانوادگی آنان است. امروزه این دغدغه در میان دین‌داران که از یک‌طرف کنشگری اجتماعی را تکلیف دینی خود می‌دانند و از طرف دیگر برای نقش خود در خانواده اولویت قائل‌اند، اهمیت ویژه یافته است. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناخت پدیده ناکنشگری اجتماعی مادران تحصیل‌کرده مذهبی و ابعاد مختلف آن، با روش کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را ۱۰ نفر از مادران دانش‌آموخته زن دانشگاه شریف که در دوره حوزه دانشجویی دانشگاه شریف شرکت کرده و در زمان گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش دارای فرزند بودند، تشکیل می‌دهند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع متجانس انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش در راستای اکتشاف و درک عمیق وجوه مختلف مسئله ناکنشگری اجتماعی مادران، به مجموعه‌ای از پیامدها و عوامل مرتبط دست یافت. نتایج نشان داد که مسئله ناکنشگری اجتماعی مادران می‌تواند با استفاده از چارچوب نظری ارائه شده در این پژوهش در ارتباط با تعارض کنشگری-خانواده به صورت عمیق‌تری درک شود. اصلاح ساختارهای مردانه اشتغال و تحصیل در کنار توسعه بسترهای جدید و نوآورانه کنشگری برای مادران را می‌توان یکی از دلالت‌های سیاستی مهم این پژوهش برشمرد.

واژگان کلیدی

مادری، خانواده، کنشگری اجتماعی، آموزش عالی زنان، سیاست آموزش عالی، نخبگان

* کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (khademi2008@gmail.com)

** دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران (z.aalami@ut.ac.ir)

*** استادیار آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) (Am_shahsavari@sbu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

۱- مقدمه و بیان مسئله

با پیروزی انقلاب اسلامی سیاست‌های کشور در امور مربوط به تحصیل و اشتغال بانوان، تغییرات بسیاری کرد که فراگیر شدن امکان تحصیل فراگیر دختران در آموزش عمومی، افزایش مداوم ظرفیت پذیرش و نیز سهم بانوان در آموزش عالی و افزایش ظرفیت‌های اشتغال بانوان در کشور از جمله‌ی این تغییرات است (غنی پور خندابی و همکاران، ۱۴۰۱). این تغییرات سیاستی و گفتمانی پس از انقلاب اسلامی در کنار تغییرات سریع در سبک زندگی و مدرن شدن آن، تغییر علائق، ارزش‌ها و انتظارات زن امروز از خویشتن را شتاب بخشیده و پیوسته امکان و ضرورت «کنشگری اجتماعی» زنان امروز را افزایش داده است (سلیمی، ۱۴۰۱؛ کاردوانی و همکاران، ۱۳۹۵). اما در حال حاضر کنشگری اجتماعی زنان با موانع متعدد و قابل توجهی مواجه است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ عامری و همکاران، ۱۳۹۳؛ اعظم آزاده و مشتاقیان، ۱۳۹۵) که از جمله آن‌ها می‌توان به برخی تعارضات آن با نقش‌های خانوادگی زنان (رضایی دره ده و همکاران، ۱۳۹۵) و عدم همراهی ساختارهای تحصیل و اشتغال با هویت مادری اشاره کرد (کاردوانی و همکاران، ۱۳۹۵). این موانع سبب ظهور پدیده‌ای به نام «ناکنشگری اجتماعی» شده که طی آن امکان کنشگری اجتماعی از زنان گرفته می‌شود و آنان از نظر اجتماعی تبدیل به افرادی منفعل یا غیرفعال می‌شوند (رفعت‌جاه و رحیمی، ۱۳۹۴).

در این میان ناکنشگری اجتماعی «مادر تحصیل کرده دین‌مدار» به عنوان قشری شاخص از زنان امروزی که از یک سو توانسته در نظامات آموزش و پرورش و آموزش عالی سرآمد شود و از سوی دیگر به علت باورهای مذهبی و سیاسی خود، همراهی بالایی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران دارد، نشان‌دهنده یک موقعیت پارادوکسیکال^۱ (متناقض‌نما) و مسئله‌دار است. بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی، فارغ از وضعیت اشتغال یا خانه‌داری، از زنان انتظار می‌رود تا در محیط اجتماعی خود نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشند و مدام به کنشگری اجتماعی در حیطه‌های مختلف تشویق می‌شوند. اما از سوی دیگر، این گفتمان فرزندآوری و فرزندپروری را به عنوان یک مجاهدت زنانه در نظر می‌گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲). بدین ترتیب آنها تمایل دارند در هر دو عرصه خانوادگی و اجتماعی، نقش خود را به بهترین نحو ایفا نمایند اما اغلب با موانعی روبه‌رو هستند که تحقق این امر را پیچیده می‌کند.

بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر اکتشاف جنبه‌های مختلف مسائل و موانع پیش روی مادران تحصیل‌کرده مذهبی برای مشارکت در کنشگری اجتماعی است؛ که از طریق بررسی دیدگاه‌های این مادران در ارتباط با ناکنشگری اجتماعی انجام شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند برای حل مسئله ناکنشگری اجتماعی مادران تحصیل‌کرده مذهبی جامعه ایران به کار گرفته شود. بدین ترتیب سؤال اصلی پژوهش از این قرار است: چه زمینه‌ها و بسترهایی موجب پدیده ناکنشگری اجتماعی در میان مادران تحصیل‌کرده مذهبی می‌شود و این پدیده در میان مادران تحصیل‌کرده مذهبی چه پیامدهایی در پی دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

در تحقیقات داخلی معطوف به ایران، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که عمده مشکلات بانوان در تعارض کار- خانواده مرتبط با رابطه مادر- فرزندی است (دهقانی زاده و همکاران، ۱۳۹۹؛ صادقی و شهبایی، ۱۳۹۸). این تعارض تحقق هم‌زمان و متوازن مادری و نقش‌آفرینی‌های اجتماعی را پیوسته به چالش کشیده و سبب شده عملاً کشور از بهره‌برداری قابل قبول از این سرمایه بازماند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸). ۶۰ درصد از زنانی که خارج از خانواده کار می‌کردند، فکر می‌کنند بین کار و خانه‌داری آنها تناقض وجود دارد و ترجیح می‌دهند نقش سنتی خود یعنی خانه‌داری را حفظ کنند (Tavassoli, 2009). همچنین بین تحصیلات زنان و تقسیم کار خانگی ارتباطی وجود ندارد یعنی زنان با هر سطحی از تحصیلات بخش اعظم کارهای خانگی را به عهده دارند و انجام کارهای خانگی همچنان وظیفه خاص و اصلی آنها تلقی می‌شود (رئیزی و مقدس، ۱۳۹۰).

از حیث راهبردها و استراتژی‌های به کارگرفته شده توسط زنان کنشگر که به جمع میان نقش‌ها موفق شده‌اند به کتاب سوژه زن مبارز (شیخ‌الاسلام زاده، ۱۴۰۲) و مطالعه موردی تجربه زیسته مرضیه دباغ و نقش عاملیت فردی او در کنشگری سیاسی نظامی (بهداری فر و همکاران، ۱۴۰۰) و تجربه زیسته مادران تحصیل‌کرده دین‌مدار از کنشگری اجتماعی (خادمی و همکاران، ۱۴۰۲) می‌توان اشاره نمود. زنان خانه‌دار به منظور ارتقای کیفیت زندگی‌شان استراتژی‌های متفاوتی اعم از ادامه تحصیل، شرکت در مراسمات مذهبی یا کلاس‌های ورزشی و تفریحی به کار می‌گیرند (رضایور و اسماعیلی فرد، ۱۳۹۹؛ صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۵؛ ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۰). بانوان در گذر والدینی با چالش‌های مهمی روبه‌رو هستند که در خیلی مواقع بایستی مداخلات آموزشی و درمانی صورت پذیرد (جهان بخشی و همکاران، ۱۳۹۳). امروزه نیاز به ارتقا حمایت‌های اجتماعی

و خانوادگی از نقش مادر در زمینه فرزندپروری بیش از گذشته است (جعفری سیریزی و همکاران، ۱۴۰۱؛ دراهکی و اخوان ارمکی، ۱۴۰۳).

برخی پژوهش‌ها نیز انگیزه‌های اشتغال زنان را از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرده‌اند (طیبه نیا و رحمانی، ۱۳۹۵؛ بشیری خطیبی و فخرایی، ۱۳۹۴؛ آذربایجانی، ۱۳۸۸). زنان برای کاهش تنش‌های حاصل از عدم تحقق انگیزه‌ها و نیازهایشان، استراتژی‌ی تحصیل و اشتغال را به عنوان راهبردهای تحقق اهداف خود برگزیده‌اند (مثلا کاردوانی و همکاران، ۱۳۹۵).

پدیده ناکنشگری در تحقیقات خارجی کمتر به صورت مستقیم مورد بررسی قرار گرفته است. کلی در پژوهش خود پیوند میان عملکرد شناختی و فعالیت‌های اجتماعی را تایید می‌کند و نتیجه می‌گیرد افزایش فعالیت اجتماعی همراه با افزایش قدرت حافظه است (Kelly et al., 2017). پژوهش دیگری ارتباط معکوس میان کنشگری اجتماعی و افسردگی را تایید نموده است (Holtfreter et al., 2017). در پژوهش مشابهی تایید شد که افراد از نظر اجتماعی فعال‌تر، کاهش شناختی کمتری را در سنن پیری تجربه می‌کنند (James et al., 2011). در خصوص ارتباط سبک زندگی مادران بر حسب شاغل بودن یا خانه‌دار بودن و میزان رضایت ایشان از زندگی، برخی پژوهش‌ها دریافته‌اند که مادران با تحصیلات بالاتر نسبت به مادران با تحصیلات پایین‌تر، در اوقاتی که در محل کار نیستند، برای کارهای خانه، خواب و تفریح کودکان خود، وقت بیشتری را اختصاص می‌دهند و به بیانی کیفیت حضور آنها پیش فرزندان بیش از کمیت آن است (Gupta et al., 2021; Dotti Sani & Treas, 2016). متغیرهای تأثیرگذار بر رضایت از زندگی زنان شاغل به این ترتیب است: سطح ارتباط بین زوجین، استرس نقش مادر، سن، دلیل غیرمالی یافتن شغل و مشارکت در کارهای خانگی (Jeong & Jeong-Woo, 2005). رضایت مادران از زندگی به طور کلی بر حسب متغیرهای مرحله چرخه زندگی، وضعیت اقتصادی و استفاده آنها از زمان متفاوت و قابل توضیح است (McCullough & Zick, 1992). مقایسه داده‌های نظرسنجی ملی آمریکا نیز نشان داد که برخلاف داده‌های قبلی زنانی که به طور تمام وقت در خارج از خانه کار می‌کنند، اکنون رضایت شغلی بیشتری نسبت به زنانی دارند که به طور کامل مشغول به کار خانه‌داری هستند. این پژوهشگران معتقدند تفاوت مزبور در بازه ۱۵ ساله نشان می‌دهد اجتماعی شدن نقش جنسی در جامعه آمریکا، زنان را دیگر به طور جدی برای نقش خانگی آماده نمی‌کند (Beck et al., 1990). زنانی که به درجه بالایی از تحصیلات و موفقیت حرفه‌ای دست یافته‌اند و تمام وقت در خانه می‌مانند، با طیف پیچیده‌ای از احساسات مثبت و منفی مواجه هستند، احساس مثبت

حضور در کنار فرزندان، در کنار احساس منفی از دست دادن هویت اجتماعی برخی از نتایج این پژوهش است (Rubin & Wooten, 2007). در تحقیقات اخیر نیز موضوع فرزندآوری زنان شاغل یا تحصیل کرده در چارچوب تعارض کار- خانواده یا تعارض تحصیل- خانواده بررسی شده است. این تحقیقات تأثیرات منفی را برای تعارض‌های یاد شده بر سلامت روانی والدین به‌ویژه مادران شناسایی کرده‌اند (Maclean et al., 2021; Bilodeau et al., 2023; Foucreault et al., 2023). اغلب پژوهش‌های مرتبط بر اشتغال مادران متمرکز شده‌اند و اگرچه پدیده کنشگری بانوان به صورت مستقیم مطالعه شده (به عنوان مثال خادمی و همکاران، ۱۴۰۲) اما پدیده ناکنشگری اجتماعی بانوان به صورت مستقیم و از طریق مطالعه بانوان ناکنشگر کمتر بررسی شده است. در این پژوهش‌ها عموماً به دلیل یکسان انگاشتن کنشگری و اشتغال برای بانوان، ناکنشگری و خانه‌داری بانوان نیز یکسان انگاشته شده و کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا شناخت ما به‌ویژه از کنشگری مادران و موانع پیش روی آنان در جمع زدن و سازگار نمودن این نقش با نقش‌های مادری و خانه‌داری خود بسیار محدود، پراکنده و غیرمنسجم است. این پژوهش افزون بر تکمیل این خلأ در یک مفهوم‌پردازی نوین از کنشگری اجتماعی از دوگانه خانه‌داری- اشتغال عبور نموده و این مفاهیم را ذیل کنشگری اجتماعی بازتعریف نموده و همچنین در بررسی خود بر مسائل بانوان تحصیل کرده دین‌مداری متمرکز می‌شود که در گذار والدینی خود خانه‌نشین شده‌اند، سوژه‌ای که به نظر می‌رسد در هیچ‌یک از تحقیقات پیشین بررسی نشده است.

۳۷

۳- ملاحظات نظری

امام خمینی با ارائه تقریر جدیدی از جایگاه زن در اسلام، زنان را مانند قرآن کریم انسان‌ساز می‌داند و تأکید داشت که اگر زنان انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط خواهند رسید (امام خمینی، ۱۳۸۵). ایشان با وجود تأکید بر نقش‌های خانوادگی بانوان، به‌ویژه جایگاه مادری، ارزش زیادی برای حضور اجتماعی و نقش‌آفرینی‌های علمی، اجتماعی و سیاسی آنان قائل بود. امام خمینی معتقد بود نقش زن در جامعه بالاتر از مرد است، زیرا علاوه بر اینکه خودشان فعال هستند، نسل‌های فعال جامعه را نیز در دامن خود تربیت می‌کنند. او خدمت مادر به جامعه را بالاتر از خدمت معلم و همه افراد دیگر می‌داند و این امر را یکی از خواسته‌های انبیا تلقی می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۵). ایشان حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را تا جایی مهم می‌داند که پیروزی انقلاب اسلامی را مرهون حضور پرشور آنان می‌داند و سهم آنان را بیشتر از مردان می‌شمرد و آنان را رهبران نهضت می‌نامید (امام خمینی، ۱۳۸۵).

پس از امام خمینی، گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان با اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای ادامه یافت. او جوهره گفتمان انقلاب در مورد زنان را تحت عنوان «الگوی سوم زن» به نمایش گذاشت؛ الگویی که به تعبیر او «نه شرقی است و نه غربی». آیت‌الله خامنه‌ای سه سطح از فعالیت‌های اجتماعی را قابل تمیز می‌داند: فعالیت اشتغالی که به عمل اقتصادی اشاره دارد؛ فعالیت استعدادی که به شکوفایی و بروز استعدادها مربوط است؛ و فعالیت اصلاحی که ناظر به احساس مسئولیت اجتماعی در قبال جامعه است. در این رویکرد، فعالیت اجتماعی زنان از سطح اشتغال فراتر می‌رود و به افق‌هایی بالاتر، یعنی بالفعل کردن استعدادها و اصلاح جامعه و جهان، می‌رسد (مبینی مقدس و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، کنشگری اجتماعی در نظر رهبران انقلاب اسلامی معنای متنوع و گسترده‌ای دارد و با اشتغال یکی دانسته نمی‌شود؛ چه بسا بانوان خانه‌داری که شاغل نیستند ولی کنشگران عرصه اجتماعی محسوب می‌شوند و بالعکس بانوانی که شاغل هستند ولی از سطح کنشگری پایینی برخوردارند.

کنشگری در ادبیات جهانی نیز تعاریفی مشابه دارد. در فرهنگ لغت کمبریج^۱، کنشگری به معنای اقدام مستقیم و قابل توجه برای دستیابی به نتیجه‌ای معمولاً سیاسی یا اجتماعی است. کنشگری اجتماعی اقدامی هدفمند برای ایجاد تغییرات اجتماعی پایدار است. به‌طور کلی، کنشگری به فعالیت‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره اشاره دارد که با هدف ایجاد تغییر در این سامانه‌ها انجام می‌شود. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل مشارکت در بحث‌های گروهی، تعاملات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه، فعالیت‌های مذهبی، عضویت در گروه‌ها یا انجمن‌های اجتماعی و حضور در گروه‌های اجتماعی باشند (Kelly et al., 2017).

نظریه تلفیقی بوردیو نیز به تبیین کنشگری در قالب دیالکتیک بین ذهن و عین می‌پردازد. بوردیو سه مفهوم عادت‌واره، میدان و سرمایه را معرفی می‌کند. بوردیو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند: سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین. این سرمایه‌ها قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند و در بهبود موقعیت فرد در جامعه نقش دارند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۷؛ علینی و همکاران، ۱۴۰۰). در نهایت، مادران تحصیل کرده به دلیل عادت‌واره‌های ذهنی برآمده از خانواده و آموزش و پرورش، تمایل بالایی به کنشگری جدی در عرصه اجتماعی دارند. اما آنها در میدان کنشگری با چالش‌هایی روبرو هستند و نگرانی از دست دادن سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی‌شان فشار مضاعفی در گذار والدینی آنها ایجاد می‌کند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی ادراکات، احساسات و تجربه زیسته زنان تحصیل کرده مذهبی که در دوره مادری خود ناکنشگری اجتماعی را تجربه کرده‌اند، می‌پردازد. این پژوهش کیفی با رویکرد «تحلیل کیفی پایه» انجام شده است. محققان در این روش، اقدام به انتخاب شرکت‌کنندگان، گردآوری و تحلیل داده‌ها با هدف شناسایی مضامین و نهایتاً بحث و نتیجه‌گیری در مورد این مضامین می‌کنند (Clark & Creswell, 2014: 289). شرکت‌کنندگان این پژوهش را زنان تحصیل کرده مذهبی تشکیل می‌دهند که موفق به جمع میان مطلوبیت‌های خانوادگی و اجتماعی نشده و فعالیت اجتماعی مشخصی ندارند. قبولی در دانشگاه صنعتی شریف در وضعیت روزانه کارشناسی یا ارشد به عنوان ملاکی از تحصیل کرده بودن و اتمام دوره حوزه دانشجویی به عنوان ملاکی از مذهبی بودن در نظر گرفته شده است. ویژگی دیگر گروه، مادر بودن (داشتن حداقل یک فرزند) است. همچنین برای همگنی بیشتر بین اعضای نمونه به شکل هدفمند متولدین سال‌های ۶۶ تا ۷۰ انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی نمونه‌گیری متجانس استفاده شد (Clark & Creswell, 2014: 312-313). با توجه به همگنی بالای ویژگی‌های نمونه، اشباع داده‌ها در مصاحبه هشتم حاصل شد.

۳۹

داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس پیاده‌سازی شدند. برای رفع ابهام، مصاحبه‌های تکمیلی با سه نفر از شرکت‌کنندگان به صورت مکتوب ادامه یافت. پس از پیاده‌سازی، متن مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) و بر اساس الگوی اترید-استرلینگ (Attride-Stirling, 2001) در چهار مرحله تجزیه و تحلیل شد: ۱. کدگذاری و شناسایی مضامین؛ ۲. سازمان‌دهی و تولید شبکه مضامین؛ ۳. توصیف شبکه مضامین و بازخوانی متن؛ ۴. تفسیر شبکه مضامین با توجه به پرسش‌ها و مبانی نظری پژوهش.

در تحلیل مضمون با توجه به ماهیت تفسیری آن، ضروری است به روایی و پایایی توجه بیشتری شود (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰) برای تضمین روایی پژوهش، نتایج هر مرحله به یک گروه کانونی از متخصصان ارائه و اصلاحات آنها اعمال شد. پنج نشست با این گروه کانونی برگزار شد. برای تضمین پایایی پژوهش، کدگذاری در دو مرحله توسط دو پژوهشگر مستقل انجام و اختلاف‌نظرها با گفتگو و اتفاق نظر حل شد. دو جلسه مشترک بین پژوهشگران برای بررسی کدگذاری و استخراج مضامین برگزار شد.

در جدول شماره ۱ ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان آمده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	مصاحبه‌شوندگان	تعداد فرزندان	تحصیلات	سال تولد
۱	مصاحبه‌شونده اول (م.۱)	۲	ارشد اقتصاد	۱۳۶۹
۲	مصاحبه‌شونده دوم (م.۲)	۲	ارشد مهندسی نرم‌افزار	۱۳۶۶
۳	مصاحبه‌شونده سوم (م.۳)	۲	ارشد مهندسی شیمی	۱۳۶۸
۴	مصاحبه‌شونده چهارم (م.۴)	۲	ارشد ام بی ای	۱۳۶۸
۵	مصاحبه‌شونده پنجم (م.۵)	۲	ارشد انرژی	۱۳۷۰
۶	مصاحبه‌شونده ششم (م.۶)	۱	کارشناسی مهندسی شیمی	۱۳۶۹
۷	مصاحبه‌شونده هفتم (م.۷)	۱	کارشناسی مهندسی برق	۱۳۶۹
۸	مصاحبه‌شونده هشتم (م.۸)	۲	ارشد فیزیک	۱۳۶۹
۹	مصاحبه‌شونده نهم (م.۹)	۳	کارشناسی مهندسی مکانیک	۱۳۶۷
۱۰	مصاحبه‌شونده دهم (م.۱۰)	۲	ارشد مهندسی پزشکی	۱۳۶۷

۴۰

۵- یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که تجربه‌ی زیسته‌ی مادران تحصیل‌کرده دین‌مدار از «ناکنشگری اجتماعی»، متشکل از پنج مضمون اصلی و ۱۱ خرده مضمون است که در ادامه به صورت مجزا شناسایی و بررسی شده است.

۵-۱- پیامدهای «ناکنشگری اجتماعی»

برای به دست آوردن تصویری صحیح از ماهیت مسئله‌دار و نامطلوب ناکنشگری اجتماعی در میان بانوان تحصیل‌کرده دین‌مدار، نیازمند درکی از پیامدهای آن هستیم. برخی از این پیامدها از سمت جامعه با از دست دادن ظرفیت حضور اجتماعی این قشر قابل درک است و برخی نیز آسیب‌هایی است که در کیفیت زندگی فردی تک‌تک این افراد اختلال ایجاد می‌کند. آنچه در این پژوهش مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق استخراج‌شده، ناظر به همین بخش فردی است که روایت

تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان است. آنها به سه پیامد اصلی نارضایتی نسبی از زندگی، خلأ هویت اجتماعی و احساس تنزل معنوی اشاره کردند که در ادامه مفصل به آنها پرداخته شده است.

۵-۱-۱- نارضایتی نسبی از زندگی

ناکنشگری اجتماعی برای مصاحبه‌شوندگان همراه با نارضایتی از زندگی است. نداشتن شغل یا فعالیت‌های اجتماعی که با شرایط مادری سازگار باشد، نگرانی از آینده و نارضایتی از حال را برای شرکت‌کنندگان در پژوهش در پی داشته است. نداشتن رضایت کامل، احساس خسران در وضعیت فعلی، آزاردهنده بودن وضعیت فعلی زندگی، احساس پوچی و عدم ارزشمندی، عبارت‌های متنوعی است که مصاحبه‌شوندگان برای موقف خود یعنی عدم امکان کنشگری اجتماعی مناسب به کار بردند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«اگر همین وضعی که دارم ادامه پیدا کنه به شدت احساس خسران می‌کنم» (م.۱).

در واقع ناکنشگری اجتماعی برای مصاحبه‌شوندگان با خود نوعی از معنای عدم ارزشمندی را به همراه دارد:

«من خوشحالم از اینکه بچه‌هام رو دارم ولی از اینکه احساس می‌کنم به درد نمی‌خورم

خیلی اعصابم به هم می‌ریزه. احساس رضایت کامل نمی‌کنم در زندگیم» (م.۸).

همچنین وصف فاصله زیاد میان وضعیت فعلی و تصویر مطلوب مورد نظر هر مصاحبه‌شونده و حتی قرار نداشتن در مسیر رسیدن به وضع مطلوب، نشان‌دهنده مسئله‌داری ناکنشگری اجتماعی برای مصاحبه‌شوندگان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«الان مسئله من اینه که من هفت سال درس خوندم می‌خواستم از این درسی که خوندم یک

استفاده کنم. دلم می‌خواست که وقتی بچه دارم هم کارم استمرار داشته باشه حداقل طوری

باشه که از محیط دانشگاه و محیط کار دور نباشم. الان نشستم توی خونه ولی با رضایت

قلبی نیست. من درس خوندم هدفم از درس خوندن این نبود که این جور بشه» (م.۲).

۵-۱-۲- خلأ هویت اجتماعی

احساس کاستی و خلأ هویت اجتماعی پیامد دیگر ناکنشگری اجتماعی است که با نارضایتی نسبی از زندگی نیز ارتباط بالایی دارد. هویت اجتماعی، تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در دسته‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی از خود ارائه می‌دهد. این هویت از طریق ساختار نظام اجتماعی و بر اساس ارزیابی، تایید یا رد دیگران بر افراد تحمیل می‌شود. می‌توان گفت تمامی

مصاحبه‌شوندگان مادری را بخشی ارزشمند از هویت خود می‌دانند و از کامل شدن بخشی از هویت خود به واسطه مادر شدن، رضایت دارند. با این حال، شهود مشترکی دارند؛ بسندگی به مادری، آنها را از نظر روحی اقناع نمی‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«تربیت بچه‌ها خیلی مهمه ولی وقتی من دغدغه‌های دیگری دارم همه ذهنم نمی‌تونه تربیت بچه‌ها باشه و هر چقدر که از دغدغه‌هام فاصله بگیرم آدم دل مرده تری میشم و مشغول میشم به دغدغه‌های سطح پایین» (م.۱).

همان مشارکت‌کننده می‌گوید:

«من خوشحالم از اینکه بچه‌ها رو دارم ولی از اینکه احساس می‌کنم به درد نمی‌خورم خیلی اذیتم. فکر می‌کنم این یکی از وظایف ماست ولی همه وظایف ما مادری نیست» (م.۱).

به منظور فهم عمیق‌تر این مسئله، چرایی گرایش به فعالیت اجتماعی از تمامی مصاحبه‌شوندگان پرسیده شده است. دلایل متنوع و متعددی برای این گرایش ذکر گردید؛ اما برخی از مواردی که توسط ایشان با بیان‌های متنوعی تکرار شد نشان‌دهنده وابستگی هویتی این افراد به رشد و اثرگذاری‌های اجتماعی است. برخی از مصاحبه‌شوندگان اشتیاق به شکوفایی ظرفیت‌های خود تا بیشترین حد ممکن را به عنوان دلیل گرایش به فعالیت اجتماعی عنوان می‌داشتند. ایشان معتقد بودند با افزایش بار مسئولیت‌ها، توانایی‌ها و ظرفیت‌هایشان بیشتر شکوفا می‌شود و این شکوفایی ظرفیت‌های انسانی، برای ایشان احساس رشد، پویایی و نشاط بیشتری به همراه دارد. مشارکت‌کننده‌ایی در این باره می‌گوید:

«احساس می‌کنم ظرفیتم بیشتره. آدم هر چقدر برای یک کار وقت باز می‌کنم وقتش بازتر میشه وقتی هیچ کاری نمی‌کنی احساس می‌کنی از این کار روزمره یک دونه بچت هم بر نمی‌ای، ولی وقتی باز می‌کنی می‌بینی چقدر ظرفیتت بیشتر بوده» (م.۴).

احساس مسئولیت نسبت به جامعه و دغدغه اثرگذاری اجتماعی، دلیل دیگری بود که مادران مصاحبه‌شونده برای تبیین گرایش خود به فعالیت اجتماعی به آن اشاره می‌کردند. در واقع احساس مسئولیت نسبت به مشکلات و نارسایی‌های موجود در جامعه و ارائه خدمت متناسب، همچنین دستیابی به احساس اثرگذاری اجتماعی و مفید بودن برای جامعه، دلیل دیگری بود که بر گرایش افراد به فعالیت اجتماعی مؤثر بود. مشارکت‌کننده‌ایی در این باره می‌گوید:

«واقعاً احساس می‌کنم این شده دغدغه من، کلید یک سری از مشکلات رو همین بحث آموزش و پرورش دختران می‌دونم و اگر نرم دنبالش و کاری نکنم تو این زمینه احساس اذیت می‌کنم» (م.۳).

باور مادران مبنی بر تکلیف آور بودن فهم‌های اجتماعی و ضرورت عمل به آن از دیگر مضامینی است که می‌توان به آن اشاره کرد. اغلب مصاحبه‌شوندگان به تکلیف آور بودن فهم معتقد بودند و لذا عمل در راستای فهم‌های خود را ضروری می‌دانستند. ایشان بی‌توجهی به فهم‌های اجتماعی خود را سبب افسردگی، دل‌مردگی و تنزل معنوی می‌دانستند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«یک حالت افسردگی نسبت به اجتماع وجود دارد، به خاطر بیکاری، فسادهایی که هست و همه مشکلاتی که می‌بینیم. ما فقط نقد می‌کنیم و وقتی آدم نمی‌تونه کاری رو از پیش بیره دچار دل‌مردگی میشه و اصلاً اون حالت مبارزه آدم رو می‌گیره» (م.۱).

این یافته‌ها نشان می‌دهد، عادتواره ذهنی مادران مشارکت‌کننده متأثر از گفتمان جهاد و تکلیف نسبت به جامعه در انقلاب اسلامی است و هر گونه بی‌توجهی به این مسئولیت تأثیر منفی در زندگی آنها می‌گذارد. در مجموع فقدان اثرگذاری‌های اجتماعی یا همان ناکنشگری اجتماعی سبب نوعی خلأ هویتی در این مادران شده که ایشان را رنج می‌دهد و سبب تشدید نارضایتی ایشان از زندگی می‌شود.

۵-۱-۳- احساس تنزل معنوی

بسیاری از مادران مشارکت‌کننده از احساس تنزل معنوی در برهه‌های زندگی پس از مادری به سبب ناکنشگری اجتماعی در این دوره سخن گفته‌اند که با تعابیر متنوعی توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده: تنزل دغدغه‌ها؛ حذف دعا، مناجات و اغلب مستحبات به دلیل مشغله زیاد و خلأ روحی ناشی از آن؛ کاهش کیفیت عبادات به ویژه نماز؛ احساس پوچی و کسالت ناشی از عدم رسیدگی به دغدغه‌های اجتماعی. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«نداشتن دغدغه جدی به جز تربیت فرزندان در زندگی انسان رو به دغدغه‌های دنیایی و سطح پایین سوق می‌دهد» (م.۱).

با توجه به پیامدها و آثار منفی ناکنشگری اجتماعی بر زندگی مادران تحصیل کرده دین‌مدار، دستیابی به زمینه‌ها و بسترهای ایجاد ناکنشگری اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای است که در بخش بعدی بدان پرداخته شده است.

۵-۲- زمینه‌ها و بسترهای ایجاد «ناکنشگری اجتماعی» و اجزاء آن

در سطح بعدی تحلیل پنج مورد به عنوان زمینه‌ها و بسترهای اثرگذار در ناکنشگری اجتماعی شناخته شد که در ادامه روایت شده است. هر یک از این موارد که به عنوان مضامین اصلی ارائه شده، با توضیح خرده مضامین ذیل آن تشریح گردیده است.

۵-۲-۱- حذف کارکردهای اجتماعی از خانه

زنان در نسل‌های پیشین عمدتاً بر مهارت‌های کاربردی و زندگی محور تسلط داشته‌اند. خانه برای چنین زنانی بستری جذاب برای تولید بوده و این تولیدات سبب احساس فایده، ابراز وجود و تأیید در فضای خانوادگی بوده است؛ اما امروزه با گسترش جامعه صنعتی و رواج زندگی شهرنشینی، خانه دچار تغییرات کارکردی گسترده‌ای شده است. در این راستا یافته‌های تحقیق نشان داد فضای خانه برای این مادران فضایی کسالت‌آور و خسته‌کننده است و فضایی غنی و پویا محسوب نمی‌گردد. مادر در فضای خانه دچار خستگی‌های روحی می‌گردد و احساس پویایی و نشاط حاصل از آن را تجربه نمی‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«الان احساس می‌کنم دچار یک رخوت شدم؛ یعنی یک مادر پر نشاط نیستم. واقعاً این مدتی که توی خونه بودم و خیلی دور بودم از اجتماع خیلی روحیم کسل شده و احساس می‌کنم بازدهی فکریم واقعاً پایین اومده» (م.۸).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«نمی‌دونم احساس می‌کنم تو خونه نشستن برامون خیلی سخته. دلم می‌خواود جوری باشه که سرم گرم باشه به یک کاری، ولی نه اون کاری که فقط سرگرمی باشه» (م.۳).

این موضوع نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان امروزه نمی‌توانند هویت خود را به خانه‌داری و صرفاً در فضای خانه بودن محدود کنند و از این رو خانه نمی‌تواند حداقل برای این قشر از مادران پایتخت‌نشین، بسط اجتماعی در جهت کنشگری پیدا کند.

۵-۲-۱-۱- حذف کارکردهای هویت‌ساز خانه برای زن

از نظر مصاحبه‌شوندگان خانه در گذشته دارای کارکرد «بستر رشد و تولید» بوده و ایشان شاهد نشاط مادرانشان در فضای خانه بوده‌اند. مصاحبه‌شوندگان یکی از دلایل اصلی این موضوع را مشغولیت مادرانشان به هنرهای مولدی چون خیاطی و مانند آن در خانه می‌دانستند که سبب می‌شد مادرانشان علی‌رغم در خانه ماندن، با انجام فعالیت‌های متنوع و هویت‌بخش رضایت بیشتری داشته باشند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مادر من خیلی هنرمنده. توی خونه خیاطی بافتنی و کارهای هنری دیگه می‌کرد و خیلی لذت می‌برد» (۳.م).

درواقع این مادران با در نظر گرفتن تجربه مادران خود، انتظار دارند خانه بستر مناسبی برای رشد و مقوم هویت ایشان باشد ولی این چنین نیست. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«نمی‌دونم احساس می‌کنم تو خونه نشستن برامون خیلی سخته. دلم می‌خواد جوری باشه که سرم گرم باشه به یک کاری، ولی نه اون کاری که فقط سرگرمی باشه» (۳.م).

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مطالعه نکردن هم روی این حس رخوت اثر داره. من یک سری قوانینی برای خودم گذاشتم که اگر روز هم شب شد باید این رو انجام بدی. از اون موقع که این کار رو شروع کردم حالم بهتره. مثلاً پنجاه آیه قرآن با تفکر، چهل حدیث، مطالعات معرفتی» (۸.م).

همچنین از نظر این مادران، خانه در گذشته بستر و کانون امن ارتباطات جمعی و شکل‌گیری هویت بوده ولی امروز کاهش ارتباطات به صورت کلی، بیش از همه در خانه نمود پیدا کرده و سبب تضعیف نشاط مادر شده است. مصاحبه‌شوندگان بیان می‌داشتند ضعف در مهارت‌های ارتباطی، ابتلا به نوعی درون‌گرایی اجتماعی، دور بودن راه‌ها و وقت‌گیر بودن ارتباطات در کلان‌شهری مانند تهران از جمله عواملی است که سبب شده خانه همانند گذشته بستری برای ارتباطات اجتماعی خانواده نباشد و انسان امروز در خانه خود، انزوا و تنهایی عمیقی را تجربه نماید که او را با بحران هویت مواجه می‌سازد. یکی دیگر از یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«از بعد ارتباط جمعی ارتباطات خیلی راحت‌تر بود. رفت و آمدها بیشتر بود. با همسایه‌ها خیلی ارتباط بیشتری داشتند یا مثلاً مرتب روضه می‌رفتند. ما الان این‌طوری نیستیم» (۶.م).

در مجموع امروزه هویت‌یابی افراد و جامعه‌پذیری فرزندان به بیرون از خانه (مدرسه، خیابان، سینما، تلویزیون، اینترنت، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کتابخانه‌ها، ورزشگاه‌ها، شهر بازی‌ها و...) منتقل شده و تلقی کاملاً متفاوتی از جایگاه و نقش خانه نسبت به سابق به وجود آمده است. عملاً خانه بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند خانه به مثابه محل‌هایی برای غذا خوردن، تفریح و آسایش، ملاقات و میهمانی، برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها و کار و تولید را از دست داده و جز معدود کارکردهایی مانند محلی برای خواب، بقیه کارکردها به فضاهای عمومی منتقل شده است. بدین ترتیب کارکردهای هویت‌ساز خانه تقلیل پیدا کرده است.

۵-۲-۱-۲- حذف کارکردهای نشاط‌آفرین خانه برای زن

هسته‌ای شدن خانواده‌ها بر خلاف خانواده‌های گسترده قدیمی، کوچک شدن مساحت خانه‌ها در زندگی آپارتمان‌نشینی و زندگی در خانه‌هایی خارج از بستر طبیعت، موجب شده است تا بانوان و مادران امروز فقدان کارکردهای نشاط‌آفرین خانه‌های امروزی را درک کنند و از آن به عنوان زندان و قفس تعبیر کنند:

«لان احساس می‌کنم یک مادر پر نشاط نیستم. واقعاً این مدتی که توی خونه بودم و خیلی دور بودم از اجتماع خیلی روحیم کسل شده و احساس می‌کنم بازدهی فکریم واقعاً پایین اومده» (م.ا).

۵-۲-۲- سخت شدن فرزند پروری

سخت شدن فرزند پروری عامل دیگر ناکنشگری اجتماعی است که در مصاحبه‌ها توسط مادران ذکر شد. می‌توان گفت امروزه مادران ناگزیر، یک مادری بیست و چهار ساعته را تجربه می‌کنند، چرا که تمامی نیازهای فرزندان در تمام طول روز منتهی به مادر شده است. او باید به تنهایی تمامی خلأهای فرزندان امروز نظیر عدم حضور هم‌بازی، خالی نشدن هیجان‌ات و انرژی کودک در فضای محدود خانه، کمبود ارتباط با خویشان و دوستان و نظایر آن را به تنهایی پر کند. چنین مادری حتی برای رسیدگی به امور منزل و امور شخصی خود در مضیقه است. به نظر می‌رسد این نوع مادری توان روحی و جسمی بیشتری را از مادر طلب می‌کند و فرزند پروری را سخت کرده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«به این نتیجه رسیدم که یک مادر بیست و چهار ساعته خیلی مادر جالبی نیست. از نظر روحی کم میاره؛ و من برای پسرم کاملاً مادر بیست و چهار ساعته بودم» (م.ب).

۵-۲-۱- تسلط فرهنگ فردگرایی

رواج فرهنگ فردگرایی پیامدهای فراوانی به ویژه در ارتباط با فرزندپروری برای زنان ایرانی در پی داشته است. مطابق یافته‌های پژوهش تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای یکی از پیامدهای فرهنگ فردگرایی بوده که فرزندپروری را نیز دشوار نموده است. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده دهم که یک خانواده گسترده را تجربه کرده، خود را نسبت به افرادی که در یک خانواده هسته‌ای به سر می‌برند، بانشاط‌تر و برخوردار از رضایت بیشتری نسبت به زندگی خود می‌داند. او در این باره می‌گوید:

«اگر سه روز پشت سر هم آشپزی کنم و آشپزخونم به هم ریخته بشه واقعاً دیگه خسته و کلافه میشم. اگر کسی خیلی تنها باشه من واقعاً بهش توصیه می‌کنم با چند تا دوست برن توی یک ساختمون. این خیلی سخت میکنه زندگی‌ها رو که تو توی فضای نزدیک هیچ کس رو نداری» (م. ۱۰).

همچنین یکی دیگر از عواملی که مصاحبه‌شوندگان نسبت به آن تأکید داشتند، محدود شدن ارتباطات و ناتوانی و ضعف در ارتباطات اجتماعی در پی آن بود. ضعف مهارت‌های ارتباطی، دور بودن فواصل مکانی در کلان‌شهرهایی مانند تهران، سخت‌گیری و ملاحظات افراطی در برقراری ارتباطات، ناتوانی در برقراری ارتباط با تیپ‌های ناهمسان فرهنگی از جمله موضوعاتی بود که ذیل این مضمون به آن اشاره شد:

«یک مشکل جدی ما اینه که فکر می‌کنیم باید با یک جمع کاملاً همسان ارتباط بگیریم. ارتباطات اجتماعیمون ضعیفه» (م. ۶).

این ناتوانی در ارتباط‌گیری و تسلط فرهنگ فردگرایی، تغییراتی را در سبک زندگی مادران امروز رقم زده است که موجب پدیده‌ای با نام مادری تمام وقت شده است، این پدیده در نهایت به سخت شدن فرزندپروری می‌انجامد.

۵-۲-۲- حذف کارکردهای هویت‌ساز و نشاط‌آفرین خانه برای فرزندان

موکول کردن تمامی کارکردهای خانه به بیرون از خانه برای کودکان نیز صادق است. در زندگی امروز تفریح کودک در پارک‌ها، سینماها، خانه‌های بازی و مانند آن منحصر شده است. به دلیل کاهش ارتباطات، کودکان برای تجربه تجمع هم‌بازی‌ها، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن باید به مهدکودک‌ها پناه ببرند. همچنین با وجود پیشرفت‌های دانشی مادران، تمامی انواع آموزش و رشدهای قابل تصویر برای کودک به بیرون از خانه منتقل شده است. این وضعیت سبب شده خانه برای کودکان محیط تربیتی غنی محسوب نگردد و نیازهای تربیتی و هیجانی کودکان در چنین محیطی بی‌پاسخ بماند. در نتیجه فرزندپروری در خانه از سختی مضاعفی برخوردار شده است:

«بچه‌های من تو خونه کلافه و بی‌حوصله میشن، سرگرم کردنشون خیلی برام سخته، حیاط نداریم، کوچه هم خیلی بچه‌ای نداره یا خانواده‌هاشون رو نمی‌شناسیم، برای اینکه سرگرمشون کنم باید ببرمشون بیرون حتماً تا با یک بچه‌ای هم‌بازی بشن یا آموزشی ببینن» (م. ۵).

۵-۲-۳- عدم ایفای صحیح نقش پدری

عدم ایفای صحیح نقش پدری نیز یکی از عواملی است که فرزند پروری را به پدیده‌ای سخت برای مادران، تبدیل کرده است. عدم حضور فیزیکی پدر از صبح زود تا اواسط شب در نتیجه دور بودن از فضای کلی زندگی، مشارکت حداقلی در نگهداری از فرزندان و خالی نشدن زمان مادر حتی برای رسیدگی‌های شخصی و ضروری، افتادن تمام بار سرگرمی و تفریحات فرزندان بر دوش مادر و همچنین بی‌حوصلگی و عصبانیت ناشی از فشار کاری در مواجهه با فرزندان مواردی است که مصاحبه‌شوندگان ذیل این مضمون بیان کردند:

«از نظر مالی شاید لازم نباشه همسرم انقدر کار کنه ولی خودشو غرق در کار کرده. دیگه خیلی با خانواده نیستن. من باید سرگرمی بچه‌هامو تأمین کنم و وقتشونو پر کنم» (م.۲).

۵-۲-۳- عدم تناسب زیرساخت‌های کنش اجتماعی با هویت زنانه

اغلب، هویت زنانه را هویتی عاطفی، توانمند در ارتباطات و انعطاف‌پذیر می‌دانند، هویتی که به جهت نقش‌های بیولوژیک و اجتماعی که بر عهده او گذاشته شده است با خانه و خانواده نیز عجین است، بدین ترتیب برای بهره‌مندی از ظرفیت بسیاری از بانوان متعهد به خانواده و جامعه خود، نیاز به تناسب میان زیرساخت‌های کنش اجتماعی هم‌راستا با تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان هست، موضوعی که در کلام مصاحبه‌شوندگان نیز به طرق مختلف مطرح می‌شد، مقصود از زیرساخت‌های کنش اجتماعی هم‌بخش نرم‌افزاری و ذهنی آن و هم‌بخش سخت‌افزاری و ساختارهای آن هست.

ریشه‌های این عامل متوجه ریشه‌های ساختاری و اجتماعی پدیدآورنده این مسئله است. یکی از ریشه‌های ساختاری و اجتماعی در سطح کلان که توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح گردید، حذف کارکردهای هویت‌ساز از خانه بود که پیش‌تر به این موضوع پرداخته شد؛ از آنجایی که هویت زنانه با خانه و خانه‌داری گره خورده است، بسط کنشگری اجتماعی در محیط خانه می‌تواند از قابلیت انعطاف بیشتر برخوردار بوده و همچنین همراه با احساس امنیت بیشتر برای این قشر باشد. در اینجا دو ریشه دیگر در سطح کلان شناسایی شده است.

۵-۲-۳-۱- مردوارگی الگوهای ذهنی از زن موفق

اغلب مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند خانواده، مدرسه و ذهنیات کلی جامعه، همگی تصویر مردانه‌ای از موفقیت را القا می‌کند که سبب می‌شود زنان از یافتن مسیرهای رشد و موفقیت زنانه درمانده شوند.

«بین دوستانم، عمدتاً یا سرکار نرفتن داره اذیتشون میکنه یا فاصله بین تحصیل. ما این‌طوری بزرگ شدیم و این داره ما رو اذیت میکنه» (م.۷).

این موضوع که نشان‌دهنده هدایت دختران به سمت کلیشه‌های انحصاری و مردانه موفقیت در خانواده، مدرسه و اشتغال است، درحالی است که مختصات زندگی زنان با زندگی مردان متفاوت است. در صورت باور به اصیل بودن تعهد مادری و با توجه به تعداد فرزندان، خصوصاً تا رسیدن آنها به استقلال نسبی، بخش عمده اوقات و توجه مادر در سال‌های متمادی، معطوف به فرزندپروری خواهد بود. چنین مادری اغلب نمی‌تواند همچون مردان پیشرفت‌های پی در پی علمی و شغلی را تجربه کند. از آنجا که مسیرهای جایگزینی که متناسب با زندگی زنان طراحی شده باشد وجود ندارد، نهایتاً از ادامه مسیر موفقیت با کلیشه‌های مذکور باز می‌ماند.

«میتونستن توی مدرسه یک آینده روشنی به ما ارائه بدن. بگن شما قراره فردا ازدواج کنید بچه‌دار بشید به این هم فکر کنید، اینو اول به من بگن بعد من بر اساس اون برنامه ریزی کنم برای زندگی. حالا می‌خوام برم دانشگاه؟ چه رشته‌ای می‌خوام برم؟» (م.۲).

این مادران غالباً از عدم سوق‌دهی زنان به رشته‌های دانشگاهی که با فرآیند مادری هم‌خوانی بیشتری دارد، معترض بودند:

«تمام دوران دبیرستان فکر می‌کردم که معمار میشم. بعد بابام مخالفت کردن گفتن که یک رشته هنریه و دردی از درد مردم دوا نمیکنه. روی نظر ایشون و رتیم اومدم مکانیک. همون سال اول دانشگاه فهمیدم که من این کاره نیستم. به خاطر فضای کاریش. شاید اگر معماری می‌رفتم ادامه می‌دادم و هنوز جاری‌تر بود توی زندگی‌م تا مکانیک. هم به خاطر بعد هنریش. هم اینکه می‌شد به نظرم این رشته رو ادامه بدم و زندگی‌مو هم بکنم...» (م.۱۰).

همچنین عدم معرفی الگوهای واقعی از زنان موفق سبب می‌گردد ذهنیت جامعه خالی از مدل‌های موفقیت زنانه متناسب با ظرفیت‌ها و مختصات زندگی آنان باشد. این امر به مردوارگی الگوهای ذهنی از زن موفق دامن می‌زند. این مسئله سبب می‌گردد فرد در امکان واقعی جمع میان شئون مختلف زندگی خود شک کند. به علاوه سبب می‌گردد ذهنیتی از راه‌حل‌های ممکن برای مواجهه با مسائل پیش رو نداشته باشد و نهایتاً به ناکنشگری اجتماعی وی دچار گردد:

«توی خانواده‌هامون که اصلاً خانم موفق نیست. توی فامیل ما خانم‌ها یا خانه‌دار بودن یا انقدر غرق کار شده بودن که بچه‌هاشون یک سره توی مهد و خونه دیگران بودن. واقعاً بچه‌های خوبی نشدن» (م.۶).

۵-۲-۳-۲- سلطه ساختارهای اجتماعی مردانه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سلطه ساختارهای صلب و مردانه اشتغال و فعالیت اجتماعی که ورود به آن‌ها تنها راه دریافت اعتبار است، از دیگر ریشه‌های ایجادکننده ناکنشگری اجتماعی مادران تحصیل کرده دین‌مدار است. تعابیر متنوع مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد ارائه کلیشه‌های انحصاری و مردانه موفقیت در خانواده، مدرسه و اشتغال توسط جامعه و همچنین بی‌خبری ایشان از بازه‌ها و مختصات زندگی یک زن در آینده سبب شده، این افراد برای انتخاب آینده خود بدون آگاهی‌های کافی تصمیم بگیرند. در برخی موارد سلطه ساختارها به نحوی است که علاقه‌ها و عاملیت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، برخی از مادران در انتخاب رشته تحصیلی خود این عدم استقلال و اراده را تجربه کرده بودند:

«دوست دارم بچه‌ها قبل از اینکه هر کاری رو بکنن فکر کرده باشن. بدونن چرا این راه رو دارن انتخاب میکنن و از سر حس وظیفه و احساس مسئولیت کارشون رو بکنند. هر کاری که میکنن با فکر و تصویر قبلی باشه. نه اینکه مثل خودمون یک راهی رو برن بعد تهش ببینن چقدر اشتباه بود... احساس می‌کنم شش سال از عمر ما در رشته‌های مهندسی هدر رفت؛ احساس بطلت می‌کنم» (م.۳).

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و طراحی مردانه ساختارهای اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دهی کاستی هویت اجتماعی این مادران داشته است. از نظر مشارکت‌کنندگان بی‌توجهی به سایر ابعاد هویتی زنان به ویژه مادری، همچنین بی‌توجهی به بازه‌های زندگی زنان و مختصات زندگی ایشان در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فرهنگ کلی حاکم بر ساختارهای اجتماعی مشهود است. از نظر ایشان شرایط مشاغل و محیط‌های شغلی با شرایط و بازه‌های زندگی زنانه مادر تناسبی ندارد، به نحوی که اغلب محیط‌های شغلی شرایط یک مادر را برای فعالیت‌های شغلی نمی‌پذیرند:

«اکثراً نمی‌پذیرن. من اگر این کارو باید انجام بدم باید برای بچه‌ها هم یک فکری کنن. باید من رو به صورت واقعی ببینن یعنی اگر میگی مثلاً بیا جلسه من رو با سه تا بچه ببینی و این رو حل کنی» (م.۹).

مادر ناگزیر است به گونه‌ای فرزندان خود را به دیگران - اعم از مهد کودک، مادر بزرگ، دوستان و اقوام - سپرده و سپس به مثابه یک مرد و فارغ از دغدغه فرزندان در محیط کار حاضر شود. فقدان الگوهای کاری منعطف برای مادری که می‌خواهد ضمن پایبندی به تعهد مادری خود فعالیت کند، از جمله مسائلی است که مادران تحصیل کرده این پژوهش به آن اشاره کردند.

«چند بار امتحان کردم پیش افراد مختلف بموندم نشده و این یکی از دلایلی که باعث شده نتونستم کار کنم. دیدم این بچه داره زجر میکشه و حداقل آروم نیست توی اون فضایی که من نیستم» (م. ۱).

اغلب بانوان تحصیل کرده دین‌مدار بعد از مادر شدن وقفه‌ای جدی در تحصیل یا اشتغال خود تجربه می‌کنند، اما این وقفه اگر همراه با امید به بازگشت به کنشگری اجتماعی باشد می‌تواند مانع خدشه‌دار شدن هویت اجتماعی آنان باشد:

«کسی به فکر دختران تحصیل کرده نخبه مذهبی با شرایط ما نیست؛ یعنی کسی نیست که برای اینها یک شرایطی رو فراهم کنه که بتونن از تحصیلاتشون استفاده کنند، حداقل بعد از چند سالی که بچه‌هاشون از آب و گل در اومدن، بتونن شروع به کار کنن حتی کارآموزی کنن همه چیز یادشون بیاد تا دوباره بتونن کار کنن، دوره‌های آموزشی بزارن، وام‌های اشتغال‌زایی، حتی آموزش‌های کارآفرینی که بتونن بعد از این دوره شروع کنند» (م. ۲).

۵-۲-۴- «کاستی دانشی-مهارتی»

یکی از عواملی که موجب ناکنشگری اجتماعی در میان این قشر از مادران شده است، به کمبود در مهارت‌ها و دانش‌هایی بازمی‌گشت که می‌توانست موجب اقدامی عملیاتی در جمع بین کار و زندگی یا به بیانی دیگر کنشگری اجتماعی و مادری شود، بخشی از این خلأها به خود فرد و ویژگی‌های شخصیتی او و بخشی نیز به خانواده او یا جامعه و آموزش و پرورش در طول فرایند تحصیل و تربیت بر می‌گردد.

۵-۲-۴-۱- هدایت تحصیلی نامتناسب

بی‌توجهی به تفاوت‌های جنسیتی به ویژه در خانواده‌هایی که نقش‌های خانوادگی زنان را پررنگ می‌دانند در نهایت بیشترین فشار و آسیب را به مادران وارد خواهد کرد، مصاحبه‌ها نشان داد که اغلب مادران مورد نظر، از روشن نبودن اهداف تخصصی، نامشخص بودن حوزه اثرگذاری تخصصی و نسبت رشته تحصیلی خود با نقش‌های خانوادگی که بعدتر باید بپذیرند، رنج برده‌اند:

«اگر برگردم عقب روانشناسی و دروس حوزوی رو میخوندم. فکر می‌کنم این‌طوری اگر کار نکنم، [تحصیلاتم لااقل] به درد خودم و اطرافیانم می‌خوره تا حدی و اوضاع بهتری داره.» (م. ۵)

«دبیرستان‌های ما همه رو میریزن تو کانال کنکور؛ فقط همین راه رو جلوت میدارن تجربی؛ پزشکی، دندانپزشکی...، ریاضی فقط مهندسی‌ها. حتی رشته‌های علوم انسانی رو هم به ما

درست معرفی نکردن که اگر این درس‌ها رو بخونی فردا کنار بچت می‌تونی کتاب بنویسی، پژوهش کنی این کارها رو میشه توی خونه کرد... خانوادم میگفتن ما دکتر و مهندس می‌خواهیم. شاید اگر جبر خانواده نبود من هیچ وقت رشته مهندسی نمی‌خوندم» (م.۲).

نکته قابل توجه اینکه اگر سردرگمی‌های تخصصی پیش از ورود به دوره مادری و فرزندپروری برطرف نشود، ورود به فعالیت‌های اجتماعی به دلیل محدودیت‌های خاص این دوره با پیچیدگی‌های قابل توجهی مواجه خواهد شد.

۵-۲-۴-۲- ضعف و ناتوانی‌های مهارتی

ضعف در برخی از مهارت‌ها مانند مهارت تیم‌سازی، مهارت مدیریت ذهن بین کار و زندگی و مهارت کارآفرینی از جمله مسائلی بود که از نظر مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از ریشه‌های سطح خرد در ناکنشگری اجتماعی است. ایشان علی‌رغم اینکه اغلب به فواید تشکیل جمع‌های هدفمند و ارجحیت آن بر حرکت‌های فردی، اذعان داشتند اغلب تجربه ناموفقی از تشکیل چنین جمع‌هایی داشتند.

«خودم دوست داشتم چنین جمع‌هایی رو تشکیل بدم ولی موفق نشدم. فقط یک جلسه تفسیر قرآنی بود که یک سال طول کشید ولی این جمع‌ها معمولاً خیلی زود از هم می‌پاشند» (م.۶).

همچنین برخی از مادران ناتوانی از مدیریت ذهن و تفکیک دغدغه‌های فضای کار و فضای خانواده از یکدیگر را از دلایل ضعف در هویت اجتماعی خود می‌دانستند.

«خانم‌ها وقتی کار می‌کنند همه فکرشون پیش بچه‌هاشونه. وقتی هم پیش بچه‌هاشون هستند همه فکرشون پیش کارشونه و مشغول استرس‌ها و درگیری‌های ذهنی کارشون هستند؛ و این وضعیت آرامش رو میگیره. کل شبانه‌روز درگیره ذهنم. استرس رو با خودم همین طور می‌کشم» (م.۵).

نامتناسب بودن ساختارهای اجتماعی با شرایط زندگی بانوان و نیز با جنس دغدغه‌های اجتماعی ایشان، سبب می‌گردد تشکیل گروه‌های تخصصی و آغاز نمودن فعالیت‌های اجتماعی زنانه، گزینه مناسبی برای کنشگری بانوان باشد؛ اما این افراد در هیچ کدام از مراحل تحصیل خود به صورت رسمی یا غیررسمی، به مهارت‌هایی که توان آغاز چنین حرکت‌های رهبرانه‌ای را تأمین نماید، مجهز نشده‌اند.

«کارآفرینی هم نمی‌تونم بکنم چون شرایطش رو ندارم، آموزش‌هاش رو ندیدم، توی محیطش نبودم که بلد باشم و بدونم چطوری باید کار کنم» (م.۲).

۵-۲-۴-۳- ویژگی‌های شخصیتی مانع

افزون بر مهارت‌ها، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخی از ویژگی‌های شخصیتی این مادران نیز عامل مهمی در پدیده کاستی هویت اجتماعی ایشان است. کامل‌گرایی یکی از ویژگی‌های مهم و آسیب‌زاست که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کرده‌اند. این ویژگی باعث می‌شود فرد در هر نقشی خود را با بهترین‌ها مقایسه کند و انتظارات خود را بر اساس آن تنظیم نماید. چنین فردی هرگز به رضایت درونی نمی‌رسد زیرا هدفش در واقعیت وجود ندارد. لازم به ذکر است که کامل‌گرایی مطلق با کامل‌گرایی نسبی متفاوت است. در کامل‌گرایی نسبی، افراد به تدریج به آرمان‌های خود نزدیک می‌شوند و موفقیت در هر مرحله ارزشمند تلقی می‌گردد. توصیف افراد مصاحبه‌شونده از مادری کردن تمام‌وقت و به موازات آن، کنشگری اجتماعی مطلوب می‌تواند نشانگر روحیه کامل‌گرایی باشد. البته برخی از مشارکت‌کنندگان خودشان به این ویژگی شخصیتی منفی آشکارا اشاره کردند و برخی نیز ضمن توصیفات آرمان‌گرایانه به صورت ضمنی به روحیه کامل‌گرایی خود اشاره می‌کردند.

«شاید یک جنبه خاصی از شخصیت بچه‌های شریفی این باشه که دوست دارن همیشه در اوج باشن...یک علتی که میشینیم توی خونه بعد از بچه همینه که میخوایم مامان کاملی باشیم در حالی که اون بچه انقدر هم مامان لازم نداره ماییم که داریم بی‌دلیل از خودمون خرج می‌کنیم» (م.۶).

۵-۲-۵- عدم تسلط بر طبیعت زندگی مادرانه

عدم تسلط بر شرایطی که طبیعت زندگی مادران است، نیز سبب نارضایتی ایشان از زندگی شده است. این مسئله در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهد. مثلاً سیالیت زمان برای مادران از جمله این شرایط است. مادران دارای فرزندان خردسال دارای زمان‌های کوتاه متعدد ولی پراکنده برای رسیدگی به امورات خود هستند. این مسئله هر چه سن فرزندان کمتر باشد بیشتر صادق است. مدیریت چنین زمانی، سخت و نیازمند مهارت است. فشارهای جسمی ناشی از ضعف عمومی به ویژه در دو سال اول فرزندپروری، نداشتن کمک در طول روز و سنگینی امورات منزل و سایر فرزندان، عصبانیت‌های ناشی از این ضعف جسمی از جمله مختصات زندگی مادرانه است که مصاحبه‌شوندگان به ضعف در تدبیر آن اشاره نموده‌اند.

«من قبل از فرزند اولم یادم نمیاد که شدید عصبانی شده باشم. اوایل که دچارش شده بودم فکر می‌کردم که ترک می‌شود ولی بعدتر دیدم که ترک نشد. اصلاً به این شدت عصبانیت درونی نمی‌رسیدم که بخوام این‌طور مستأصل بشم» (م.۱).

ناتوانی در مدیریت مناسب چالش‌های تربیت فرزند، یکی دیگر از مشکلاتی است که این مادران تحصیل کرده دین‌مدار از آن رنج می‌برند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مصاحبه‌شوندگان در برخورد با برخی چالش‌ها دچار تلاطمات درونی شده و نسبت به مدیریت آرام این مسائل، دچار ضعف هستند. لجبازی‌ها و دعوای کودکانه، سرگرم کردن کودک، تقویت اعتماد به نفس و قوت روحی، مدیریت خشم و عصبانیت در مواجهه با فرزندان و بدغذایی و کثیف کاری کودکان چالش‌هایی است که مدیریت آرام و شیوه مواجهه صحیح با آن، از جمله چالش‌های این مادران است.

«نمی‌تونم هنوز دوتاشون رو خوب مدیریت کنم. کوچیکه بازی‌های اون رو بهم می‌زنه اون هم به شیوه‌های مختلف خودش رو خالی می‌کنه. وقت‌هایی که کوچیکه خیلی گریه می‌کنه اعصاب اولی بهم میریزه اون هم روی من تأثیر می‌ذاره...» (م.۵).

به علاوه برخی مادران طبیعت رفتارهای کودکانه را نمی‌پذیرند و از آن آزرده می‌شوند. انتظارات نامتناسب با سن کودک دارند و رفتارهای مقتضی سن کودک مانند بازیگوشی، لجبازی و... آنان را متلاطم می‌کند.

«من خودم این توقع رو دارم که بچه سه‌ساله مطیع من باشه. توقعی که از یک بچه دوازده‌ساله باید داشت. وقتی این کار رو انجام نمیده من بلد نیستم چه کار کنم که با آرامش شرایط رو ببرم به سمتی که می‌خوام» (م.۵).

۵-۲-۱- بی‌توجهی به نقش‌های جنسیتی در رویکردهای تربیتی خانواده و مدرسه

این مضمون به ناکافی بودن آمادگی‌های ذهنی ایجاد شده در خانواده و مدرسه در قبال دختران اشاره دارد که برای پذیرش نقش جنسیتی لازم است. محول نکردن مسئولیت‌های متنوع به دختران در فضای خانواده به جز مسئولیت تحصیل، بی‌اطلاعی از دشواری و زمان‌بر بودن رسیدگی‌های ضروری و مورد نیاز فرزند برای مادر به‌ویژه پس از تولد فرزند و ابقاء آینده تک‌بعدی و غیرواقعی به دختران در فضای مدرسه از جمله مواردی است که مصاحبه‌شوندگان ذیل این مضمون بیان داشته‌اند.

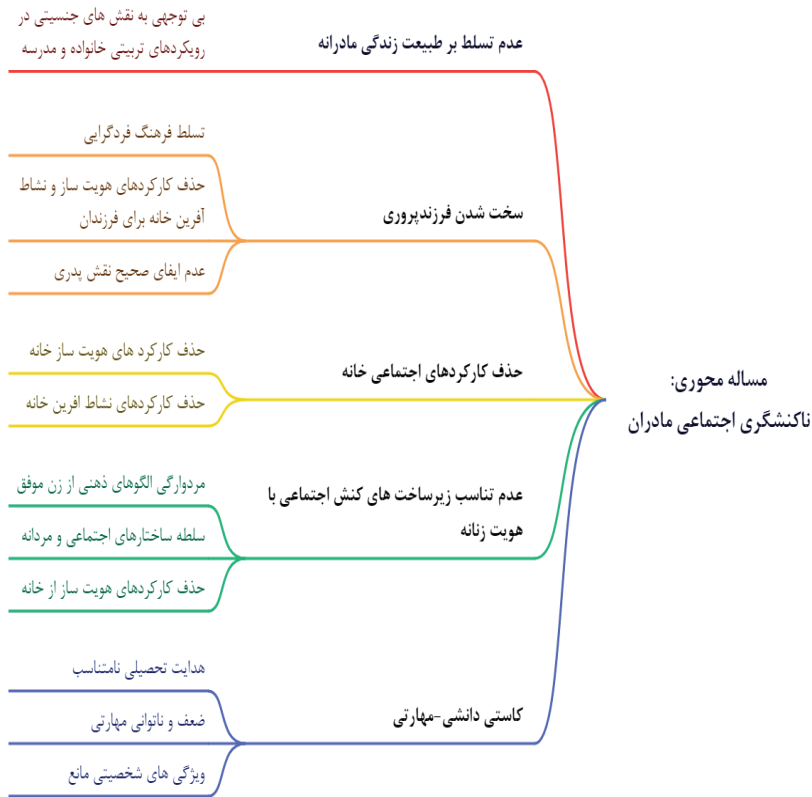
«من سر بچه اولم توی شوک بودم شاید دو سه سال سردرگم بودم و نمی دونستم اصلاً با این بچه چی کار کنم. اصلاً همین که من از صبح تا شب خونه باشم، دو سه سالی طول کشید تا پذیرفتم نقشم رو... ماها توی مدرسه برای یک چیز دیگه ای بزرگ می شدیم. مثلاً این بچه‌های شریف قطعاً شاگرداول‌های مدرسه‌ها بودن بهشون میگفتن شما امیدهای کشورید و حتماً باید برید وارد مشاغل مدیریتی و چنین و چنان بشید... این دریافت‌هایی که از اجتماع به ما می‌رسید ما رو دور می‌کرد از زندگی واقعی» (م.۹).

همچنین اغلب این مادران پس از ازدواج خلاً مهارت‌های ضروری برای ایفای نقش‌های جنسیتی خود را دریافته بودند. مهارت‌هایی که در گذشته در فضای خانواده از مادر به دختر منتقل می‌شد. این خلاً پس از تولد اولین فرزند آشکارتر شده و سبب غافلگیری و سردرگمی مادر در مواجهه با فرزند و پذیرش نقش جدید می‌گردد:

«وقتی ازدواج کردم فهمیدم چه چیزهایی باید بلد می‌بودم که نبودم. توی خونه ما خیلی علم و مدرک علمی اهمیت داشت و من فقط درس خونده بودم و از مهارت‌های دیگه دور بودم. به خاطر همین هم ازدواج کردم احساس کردم اصلاً علم زندگی رو ندارم. بچه‌دار شدم دیدم علم بچه‌داری رو ندارم. بعد از اینکه بچه‌دار شدم خیلی حاج و واج و سردرگم بودم.» (م.۹)

بحث و نتیجه‌گیری

مادران تحصیل کرده دین‌مدار قشر مهمی از بانوان را شامل می‌شوند که کمتر به مسائل آنها پرداخته می‌شود، بخش قابل توجهی از آنها پس از مادر شدن، دچار مسئله ناکنشگری اجتماعی و خانه‌نشینی می‌شوند، این در حالی است که تا پیش از این خود را قشر فعالی در صحنه اجتماع می‌شناختند. این پژوهش با محوریت تجربه زیسته این بانوان به علت‌ها و دلایل ناکنشگری در زندگی این قشر از زبان خودشان پرداخت و با استفاده از روش تحلیل مضمون، به مضامین زیر دست یافت (شکل ۱):



شکل ۱- شبکه مضامین ناکنشگری اجتماعی مادران

یکی از پرتکرارترین مضامین در گفتار مصاحبه‌شوندگان، خلأ هویت اجتماعی بود. هویت اجتماعی به عنوان امری که در متن و زمینه اجتماعی بر ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۳؛ اشرفی و همکاران، ۱۳۹۹)، نقش مهمی در درک مادران از هویت خود دارد. آنچه در جامعه برای زنان هویت‌ساز تلقی می‌شود، می‌تواند به افزایش یا کاهش درک آنان از هویت اجتماعی خود منجر شود. این یافته با پژوهش رابین و ووتن (۲۰۰۷) هم‌خوانی دارد که نشان داد زنان خانه‌نشین تحصیل کرده آمریکایی نیز احساس بی‌توجهی اجتماعی مشترکی دارند.

مادران تحصیل کرده که از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بالایی برخوردارند، پس از مادر شدن احساس می‌کنند که آنچه سال‌ها برایش تلاش کرده‌اند در معرض تهدید قرار گرفته است. از آنجا که کسب و حفظ این سرمایه‌ها در پیشبرد اهداف اجتماعی و خانوادگی اهمیت دارد (رئیس‌ی

و مقدس، ۱۳۹۰)، ترس از دست دادن آنها، همان‌طور که در این پژوهش نیز تأیید شد، می‌تواند با نارضایتی از زندگی همراه شود.

علاوه بر آسیب‌های فردی و خانوادگی، فراهم نبودن شرایط برای نقش‌آفرینی اجتماعی این مادران می‌تواند پیامدهای منفی اجتماعی داشته باشد، از جمله محروم شدن جامعه از حضور و فعالیت‌های اجتماعی آنان. جداسازی محیط کار از خانواده که از پیامدهای مدرنیته است (و بر، ۱۳۸۵)، همراه با تسلط فرهنگ فردگرایی، حذف کارکردهای نشاط‌آفرین خانه و دوری مردان از فضای زندگی، مادری را به وظیفه‌ای سخت و وقت‌گیر بدل کرده است. پژوهش جعفری و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که سبک زندگی و حمایت اجتماعی می‌تواند ۳۴ درصد تغییرات هویت مادری را پیش‌بینی کند. سیریزی و همکاران (۱۴۰۱) به این نتیجه رسیدند که تحولات اجتماعی و فرهنگی معاصر، همیاری ضعیف مردان در فرزندپروری و توقعات فزاینده فرزندان، رنج‌های مادران را مضاعف کرده است.

از سوی دیگر، بی‌توجهی به مهارت‌افزایی در حوزه نقش‌های جنسیتی موجب شده که مادران نتوانند به‌خوبی با طبیعت زندگی مادرانه کنار بیایند. این مسئله مهم که غفلت والدین و نهاد آموزش‌وپرورش در آن نقش دارد، نیازمند بررسی است. بستان (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد که رویکرد اسلامی با ارزش‌گذاری یکسان به علم‌آموزی مردان و زنان و در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد، برخی تمایزهای جنسیتی را به دلیل کارکردهای اجتماعی مثبت‌شان تجویز می‌کند. نوآوری این پژوهش در توجه به عواملی مانند ضعف مهارتی مادران در ارتباط با کنشگری اجتماعی، حذف کارکردهای نشاط‌آفرین خانه و مردوارگی الگوهای ذهنی از زن موفق، به عنوان عوامل مؤثر بر ناکنشگری اجتماعی مادران است که در پژوهش‌های قبلی مورد توجه قرار نگرفته بود. سوژه این پژوهش یعنی بررسی قشر خاصی از بانوان تحصیل‌کرده مذهبی نیز از ممیزات آن نسبت به تحقیقات قبلی است. این قشر، برخلاف دیگر مادران، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند و عدم امکان کنشگری اجتماعی و کمبود فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط مادری می‌تواند آسیب جدی به هویت اجتماعی آنان وارد کند. این فرضیه باید در تحقیقات بعدی بررسی شود. پیامد جدید دیگری که در این پژوهش مطرح شده، احساس تنزل معنوی در پی عدم توفیق در نقش‌آفرینی اجتماعی به دلیل تعهدات مذهبی مشارکت‌کنندگان که در دیگر پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته بود.

پیشنهادها

اصلاحات ساختاری و قانونی ضروری سیاست‌گذاران و طراحان اجتماعی

اگر سیاست‌گذاران و طراحان اجتماعی، از آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور زنان در محیط‌های کاری معمول و همچنین خانه‌نشینی شدن بانوان تحصیل کرده مطلع باشند، می‌توانند به طراحی مسیرها و بسترهای متنوع رشد و اثرگذاری اجتماعی که قابل تطبیق با مختصات زندگی زنان باشد بپردازند. بر این اساس در ادامه به چند پیشنهاد ویژه اشاره شده است:

- طراحی فضاهایی که امکان کار کردن مادر در کنار فرزند را فراهم نماید.
- الگوهای کاری منعطف یا دورکاری، زیرا دورکاری در عصر ارتباطات می‌تواند شرایط مناسبی را برای فعالیتهای اجتماعی مادران فراهم آورد.

کنش جمعی خودجوش و زنانه

حرکت خودجوش و زنانه مبتنی بر خواست و آگاهی بانوان لازمه هر گونه تغییر و غلبه پایدار بر ناکنشگری اجتماعی بانوان است. براین اساس در ادامه به چند پیشنهاد ویژه اشاره شده که همگی نیازمند فرهنگ‌سازی و نیز باور و عزم مادران است:

- به رسمیت شناختن هویت مادری
- به رسمیت شناختن کنشگری‌های اجتماعی خارج از مقوله اشتغال
- بازبینی مفهوم «خانه» به عنوان «پایگاه» مادر که بخش مهمی از اوقات خود را در آن می‌گذراند
- توسعه کارکردهای «خانه» متناسب با ظرفیتهای «زن امروز»

منابع

- ◀ ابراهیمی، جعفر، و صالحی، فرزانه (۱۳۹۰). بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار. مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۳)، ۴۷-۶۰.
- ◀ ابراهیمی، رضا فاضل و انصاری، حمید (۱۳۹۹). شناسایی خلأهای بنیادی و راهبردی در حوزه مشارکت اجتماعی، سیاسی زنان پس از انقلاب اسلامی، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۲)، ۲۶۴-۲۹۱.
- ◀ اعظم‌آزاده، منصوره و مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان در فرایند توسعه اجتماعی. مسائل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)، ۷(۱)، ۳۱-۵۵.
- ◀ اشرفی، ابوالفضل، محسنی، رضاعلی، و شیرینی، طهمورث (۱۳۹۹). شناخت و ارزیابی عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران). نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر) ۴۹، ۱-۲۳.
- ◀ آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. مطالعات راهبردی زنان، جلد ۴۶، ص. ۸۱-۱۱۶.
- ◀ امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام خمینی، جلد ۶، ۷ و ۱۹، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ◀ بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۲). جنسیت در آموزش و پرورش از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۵(۱۰)، ۶۵-۸۰.
- ◀ بشیری خطیبی، بهنام و فخرایی، سیروس (۱۳۹۴). «بررسی انگیزه‌های اشتغال در خارج از خانه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تبریز»، جامعه‌شناسی کاربردی، جلد ۵۷، ص. ۲۰۵-۲۱۶.
- ◀ بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی. مترجم رضا مردیها. تهران: نقش و نگار.
- ◀ بهادری فر، سمیه، خستو، رحیم، توسلی، مجید، و ساعی، احمد (۱۴۰۰). واکاوی تجربه زیسته مرضیه حدیدچی دباغ و نقش عاملیت فردی او در کنشگری سیاسی نظامی، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، ۸(۳۰)، ۷-۳۲.
- ◀ جعفری، الهه، حقیقتیان، منصور، و محمدی، اصغر (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک زندگی و حمایت اجتماعی با هویت مادری زنان (مورد مطالعه: زنان شهر اصفهان). فصلنامه زن و جامعه، ۱۳ (۴۹)، ۲۲۳-۲۳۸. doi: 10.30495/jzvz.2022.24562.3206
- ◀ جعفری سیریزی، فائزه، عسکری ندوشن، عباس، و روحانی، علی (۱۴۰۱). مادران و تربیت نسل؛ کاوشی انتقادی از دغدغه‌های اجتماعی مادران در رابطه با فرزندپروری. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۴ (۴)، ۱۱۷-۱۷۵. doi: 10.22035/isih.2022.4801.4707

- ◀ جهان بخشی، زهرا، یوسفی، ناصر و کشاورز افشار، حسین (۱۳۹۳). بررسی کیفی چالش‌ها، تغییرات و رضایت زناشویی زنان در گذر به والدینی، فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۳ (۵۱)، ۶۴-۷۹.
- ◀ خادمی، مریم، اعلمی، زینب و مرادی، عاطفه (۱۴۰۲). تجربه زیسته مادران تحصیل کرده دین‌مدار از کنشگری اجتماعی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۱۶ (۶۱)، ۹۹-۱۳۴.
- ◀ خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۲). بیانات در دیدار جمعی از مداحان، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، Farsi.khamenei.ir.
- ◀ دراهکی، احمد، اخوان ارمکی، معصومه (۱۴۰۳). نگرش به هویت مادری و قصد فرزندآوری: مطالعه‌ای در میان زنان دارای حداقل یک فرزند مناطق شهری شهرستان کاشان. زن در توسعه و سیاست، ۲۲ (۱)، ۲۴۵-۲۷۰، doi: 10.22059/jwdp.2023.۳۵۸۱۴۹,۱۰۰۸۳۳۵
- ◀ دهقانی زاده، حسینعلی، فلاح، محمدحسین، و وزیر، سعید (۱۳۹۹). احساس گناه مادری: کاوشی کیفی بر اشتغال زنان در رابطه مادر-فرزندی. طلوع بهداشت؛ ۱۹ (۲)، ۳۲-۱۶، doi: 10.18502/tbj.v19i2
- ◀ رفعت جابه، مریم و رحیمی، فاطمه (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی عوامل انفعال سیاسی زنان در مقایسه با مردان، فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، ۶ (۴)، ۷۳-۹۲.
- ◀ رضاپور، داریوش و اسماعیلی فرد، آسیه (۱۳۹۹). تجربه زیسته زنان از سبک زندگی خانه‌داری (مطالعه موردی شهر دیلم)، مطالعات راهبردی زنان، ۲۲ (۸۷)، ۸۹-۱۰۸.
- ◀ رضایی دره ده، مریم، برادران، مراد و کریمی، غلامحسین (۱۳۹۵). بررسی رابطه تعارض کار خانواده و بحران هویت، فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۱ (۱)، ۱۳۵-۱۶۴.
- ◀ رئیس، طاهره و مقدس، علی اصغر (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی زنان و تقسیم‌کار خانگی؛ نمونه مورد مطالعه: زنان متأهل شهر جیرفت، نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۸ (۲)، ۸۱-۱۰۴.
- ◀ سلیمی، ناهید (۱۴۰۱). الگوی مفهومی مشارکت بدنه اجتماعی زنان در فرایند خط‌مشی‌گذاری حوزه زنان و خانواده؛ از منظر گفتمان دینی در ایران، زن در توسعه و سیاست، ۲۱ (۲)، ۴۸۱-۵۱۶.
- ◀ شیخ‌الاسلام زاده، زهرا (۱۴۰۲). سوژه زن مبارز و تناقضات نقشی در جریان انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی. [DOI/10.22059/jwdp.2022.343463.1008211](https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.343463.1008211)
- ◀ صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۵). مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران. مجله پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۰ (۱)، ۲۷-۴۸.
- ◀ صادقی، رسول و شهابی، زهرا (۱۳۹۸). تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰ (۱)، ۹۱-۱۰۴.

- ◀ طیبی نیا، مه‌ری و رحمانی، جبار (۱۳۹۵). انگیزش‌های نویافته‌ی تحولات هویتی زنان در آموزش عالی. تحقیقات فرهنگی ایران، جلد ۳۴، ص. ۱۰۱-۱۲۹.
- ◀ عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن، شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه‌ی مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- ◀ عامری، محسن، سهرابی رنانی، مریم، حسینی راد، مهدی و دانی، فاطمه (۱۳۹۳). موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های فرهنگی. مدیریت فرهنگی، ۸ (۲۴)، ۲۱-۳۶.
- ◀ علینی، محمد، کرمی پور، اله کرم، کمالیان، محسن، و سهرابی فر، وحید (۱۴۰۰). الگوی سرمایه اجتماعی در کنشگری امام موسی صدر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹ (۱)، ۹۶-۱۲۴.
- ◀ غفاری، غلامرضا، مؤمنی، فرشاد، و یوسفی، نریمان (۱۳۹۸). نقش انواع سرمایه در مشارکت اقتصادی زنان: مطالعه تطبیقی کشورهای اتحادیه اروپا و خاورمیانه. رفاه اجتماعی؛ ۱۹ (۷۲)، ۵۴-۹.
- ◀ غنی پور خندابی، فاطمه، اسدی داوود آبادی، محمدحسین، احمدی، امیدعلی و روشنایی، علی (۱۴۰۱). سیر تاریخی اشتغال زنان در بستر گفت‌وگوهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲۰ (۱)، ۲۳-۴۴. <https://sid.ir/paper/952813/fa>.
- ◀ کاردوانی، راحله، تاج مزینانی، علی‌اکبر، میرخانی، عزت السادات و سجادی، سید مهدی (۱۳۹۵). بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۸ (۷۲)، ۷-۳۱.
- ◀ کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت (جلد دوم). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو. چاپ هفتم.
- ◀ مبینی مقدس، مجید، عبدسرمدی، نرگس، خان محمدی، کریم، و هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۹۹). الگوی تحلیلی فعالیت اجتماعی زنان در انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای. دانش سیاسی، ۱۶ (۲)، ۶۴۸-۶۲۱.
- ◀ ویر، ماکس (۱۳۸۵). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: علمی - فرهنگی.

➤ Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for. Qualitative research, 385-405.

➤ Beck, A., Freeman, A. & Associates. (1990). "Cognitive therapy of personality disorder". New york: Guilford press.

➤ Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 77-101.

- ▶ Bilodeau, J. Quesnel-Vallée, A. & Poder, T. (2023). Work stressors, work-family conflict, parents' depressive symptoms and perceived parental concern for their children's mental health during COVID-19 in Canada: a cross-sectional analysis. *BMC Public Health* 23, 2181. <https://doi.org/10.1186/s12889-023-17037-0>
- ▶ Cambridge Dictionary. (n.d). In Cambridge Dictionary. Retrieved from <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/word>.
- ▶ Clark, P. & Creswell, J. (2014). *Understanding Research: A Consumer's Guide*. New Jersey: Pearson Education.
- ▶ Dotti Sani, G. M. & Treas, J. (2016). Educational gradients in parents' child-care time across countries, 1965–2012. *Journal of Marriage and Family*, 78(4), 1083–1096.
- ▶ Foucreault, A. Ménard, J. Houlfort, N. et al. How Work-Family Guilt, Involvement with Children and Spouse's Support Influence Parents' Life Satisfaction in a Context of Work-Family Conflict. *J Child Fam Stud* 32, 1065–1077. (2023). <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02443-6>.
- ▶ Gupta, S., Liana C., & Sayer, J. (2021). Educational and Type of Day Differences in Mothers' Time Availability for Child Care and Housework. *Journal of Marriage and Family*.
- ▶ Holtfreter, K. Michael D. R. & Jillian J. T. (2017). Depression and infrequent participation in social activities among older adults: the moderating role of high-quality familial ties, *Aging & Mental Health*, 21:4, 379-388, DOI: 10.1080/13607863.2015.1099036.
- ▶ James, Bryan D. Robert S. Wilson, Lisa L. Barnes and David A. Bennett. (2011). Late-Life Social Activity and Cognitive Decline in Old Age. *Journal of the International Neuropsychological Society*. DOI: 10.1017/S1355617711000531.

- Jeong, J. Lee, J. (2005). Perceived Equity, Role Stress and Life Satisfaction of Married Working-Mother Salesclerks. *Journal of the Korean Home Economics Association* 2005;43(2):81-103.
- Kelly, M.E., Duff, H., Kelly, S. McHugh Power, J.E Brennan, S. Lawlor, B.A & Loughrey, D.G (2017) The impact of social activities, social networks, social support and social relationships on the cognitive functioning of healthy older adults: a systematic review. *Syst Rev* 6, 259. <https://doi.org/10.1186/s13643-017-0632-2>.
- Maclean, E. I. Andrew, B. & Eivers, A. (2021). The motherload: Predicting experiences of work-interfering-with-family guilt in working mothers. **Journal of Child and Family Studies**, 30(1), 169181-. <https://research.qut.edu.au/childandfamily/publications/the-motherload-predicting-experiences-of-work-interfering-with-family-guilt-in-working-mothers-2/>.
- McCullough, J. & Cathleen D. (1992). The roles of role strain, economic resources and time demands in explaining mothers' life satisfaction. *Journal of Family and Economic Issues*. <https://doi.org/10.1007/BF01013644>.
- Rubin, S. E. & Wooten H. R. (2007). Highly Educated Stay-at-Home Mothers: A Study of Commitment and Conflict. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*.
- Tavassoli, G. (2009). The main causes of housekeeping role conflict and Women's employment. Conference Social Policies (I.S.A.) Local Experiments, Travelling Ideas To be held in Montreal.